



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسؤول: مهدی رحمتیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۸۵۷۵ - ۸۸۶۵۴۳۹۲
نمابر: ۸۸۶۵۴۳۹۲
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز - **تلفن:** ۵-۶۶۱۸۳۱۲۰
چاپ: روزتاب، جاده مخصوص کرج، زین نخب شماره ۴ - **تلفن:** ۴۴۵۴۵۰۷۷



در کمال خونسردی

الان خیلی واضح به نظر می‌رسد: جانیتری را از ابتدا تا به انتها دنبال کنید، انتظار داشته باشید که داستان جالبی شود. این نکته درباره ده‌ها سریال تلویزیونی مصداق دارد: از «Law and Order» گرفته تا «CSI» و چند صد داستان تکراری قدیمی‌تر از این‌ها. اما در سال ۱۹۶۶، زمانی که «در کمال خونسردی» منتشر می‌شد، مردم از خود می‌پرسیدند که ترومن کاپوتی با خود چه فکر می‌کرده است.

کتاب البته، به موفقیت چشمگیری دست پیدا کرد و به کاپوتی شهرتی ملی داد که معهود نویسندگانی به آن دست پیدا کرده بودند. اما در سال ۱۹۶۶ همچنان در تلاش بود تا خود و کارش را توضیح بدهد. کاپوتی کارش را با نگارش داستان کوتاه به سبک گوتیک جنوب آمریکا آغاز کرد و نشان داد گوش خوبی برای شنیدن دیالوگ‌ها و استعدادی عظیم برای چرخش‌های تلخ در داستان دارد. کاپوتی در جریان گفت‌وگوش با سی‌بی‌سی می‌گوید «من کارم را با سبکی به غایت بسط یافته آغاز کردم و پس از آن، آن سبک را باز هم بسط دادم و آن را بدل به سبکی دیگر کردم.» فیلم این گفت‌وگو هفته گذشته بعد از بیش از ۴۰ سال در وب‌سایت سی‌بی‌سی (رادیو و تلویزیون دولتی کانادا) قرار گرفت و بازنگری آن خالی از لطف نخواهد بود. گفت‌وگوی کاپوتی در اواسط دهه ۶۰ میلادی در نوع خود جالب است: با آنکه کاپوتی تا حدودی عجیب و غریب است، اما هنوز آن قدرها تحت تأثیر حوادث کتابش قرار نگرفته است. در حقیقت خیلی بر فرآیند نگارش متمرکز است، این‌که چرا چنین کتابی نوشته، چگونه آن را نوشته و دقیقاً برای نوشتن این کتاب چه کاری می‌کرده است:

«این فکر همیشه در سرم بود که با استفاده از تکنیک‌های داستان‌نویسی گزارش بنویسم. می‌گویند که این کار قبلاً انجام شده است. من می‌گویم پیش از این کسی این کار را انجام نداده بود و هیچ‌کس هم هنوز نتوانسته مثالی قانع‌کننده به من نشان بدهد... فکر می‌کنم که این روش نگارش ارتباط محکمی با دنیای مدرن دارد، داستان دیگر نمی‌تواند چنین ارتباطی داشته باشد. نمی‌گویم که گزارش به لحاظ هنری جذاب‌تر یا عمیق‌تر از داستان است چراکه این گونه نیست. تنها چیزی که می‌گویم این است که گزارش به لحاظ هنری، حقیقتاً ساختنی کشف نشده است. پیش از این خیلی کم روی آن کار شده است. امکانات فوق‌العاده‌ای دارد و تئوری و من این است که گزارش می‌تواند هبر ذره، هر لحظه را تأثیرگذار کند، می‌تواند هبر ذره را هم به لحاظ احساسی و هم به لحاظ فکری تأثیرگذار کند، هم قلب را نشانه بگیرد و هم ذهن را، چیزی که داستان در بهترین حالت ممکنه از پس آن بر خواهد آمد.» امروزه لیست کتب پر فروش غیرداستانی‌ما پر است از کتاب‌هایی نظیر «در کمال خونسردی»، آثاری که از حقه‌های داستانی برای روایت گزارش استفاده کرده‌اند. به نظر می‌رسد که کاپوتی آنقدرها هم دیوانه نبوده است.

خبر

عاشقانه‌ترین جمله انتخاب شد

فارس: جمله‌ای از رمان «بلندی‌های بادگیر» به قلم نویسنده انگلیسی «میلی برونته» به عنوان برترین عاشقانه‌ترین جمله در آثار ادبی انگلیس انتخاب و معرفی شد. ونگورسان

گزارش داده است انتخاب عاشقانه‌ترین جمله در ادبیات انگلیس بر اساس یک نظرسنجی که با حضور ۲۰۰۰ مخاطب ادبی بزرگسال برگزار شده بود انتخاب شد. در این نظر سنجی مخاطبان ادبی یک جمله از رمان « بلندی‌های بادگیر» اثر «میلی برونته» را به عنوان برترین جمله انتخاب کردند.

۲۰ درصد از شرکت کنندگان در این نظرسنجی به جمله «روح ما از هر چه که ساخته شده، جنس روح من با روح او یکی است» نوشته «برونته» را به عنوان عاشقانه‌ترین جمله انتخاب کردند.

علاوه بر این جمله از «برونته» که به عنوان یکی از نویسنده‌های صاحب نام قرن نوزدهم انگلیس شناخته می‌شود از شخصیت‌های ادبی و نویسندگان دیگری همچون «ویلیام شکسپیر»، «دبلیو اچ اودن»، «تاپلئون بناپارت»، «اربر براونینگ» و «ورنر برنز» نام برده شده است. در این نظرسنجی علاوه بر جمله «میلی برونته» از رمان «متو و ژولیت» اثر «ویلیام شکسپیر» جمله «آرام، چه نوری است که از پنجره به درون می‌تابد؟ آنجا مشرق است و ژولیت همچون خورشید درخشان» و از «اربر براونینگ» جمله «با من پیر شو، بهترین اتفاق‌ها منتظر ما هستند» و جمله «او برای من شمال، جنوب، مشرق و مغرب بود، یک هفته کار و تعطیلی آخر هفته بود، ظهر و نیمه شب، کالدم و انگت من بود. تصور می‌کردم عشق تا ابد ماندگار باشد اما اشتباه می‌کردم» از «دبلیو اچ اودن» نیز در این نظر سنجی شرکت داده شد. شرکت‌کنندگان در این نظرسنجی با مطالعه جمله‌های ثبت شده از سوی بزرگترین نویسندگان و شخصیت‌های ادبی در تاریخ جمله «برونته» در «بلندی های بادگیر» را به عنوان عاشقانه‌ترین جمله انتخاب کردند.



روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسؤول: مهدی رحمتیان
نشانی: میدان آرژانتین، خیابان زاگرس، پلاک ۹، ساختمان شرق، طبقه همکف
تلفن: ۸۸۶۵۸۵۷۵ - ۸۸۶۵۴۳۹۲
نمابر: ۸۸۶۵۴۳۹۲
توزیع: شرکت پیام‌رسان پیروز - **تلفن:** ۵-۶۶۱۸۳۱۲۰
چاپ: روزتاب، جاده مخصوص کرج، زین نخب شماره ۴ - **تلفن:** ۴۴۵۴۵۰۷۷

سال پنجم ■ شماره پیاپی ۱۱۸۵ ■ شماره ۲۶۰ دوره جدید ■ سه شنبه ۲۶ بهمن ۱۳۸۹ ■ ۱۱اربع‌الاول ۱۴۳۲ ■ ۱۵فوریه ۲۰۱۱

آخر

در گذر زمان: برای دکتر رضا نوربهاء

استادی صاحب کسوت

فریده غیرت



عصر روز شنبه، یهم‌ماه، در محل کار ناباورانه خبر غمناک رفتن دوست و همکار گرمای دکتر رضا نوربهاء را شنیدم. بزرگی و عظمت این خبر تا بدانجا بود که تا لحظاتی حنتی حاضر به پذیرش آن نبودم شاید با ایین واکنش به طور ناخودآگاه در آرزوی بی‌اساس دانستن یا به قولی شایعه دانستن این خبر بودم، ولی چند لحظه پس از بیرون آمدن از ضربه اولیه این خبر دردناک، تردید راست بودن و پس از آن پذیرش حقیقت تلخ و باور این مصیبت به عنوان واقعیتی دردناک، پیش رویم قرار گرفت. دکتر رضا نوربهاء، همکلاسی دوران دانشکده حقوق و دوستی هم‌فکر و هم‌اندیشه با خاطرات خاص دانشجویی سال‌های ۴۰ و ۴۲ بود، که تا همین اواخر نیز هربار که دیداری دست می‌داد یا یادآوری آن ایام می‌پرداختم.

دکتر رضا نوربهاء علم را تا کسب بالاترین مدارج ادامه داد، تدریس آموخته‌ها در دانشگاه به نسل بعد

خاطره: از گذشته‌های دور

حکایت اپرایی که هیچ وقت شنیده نشد

حسین دهلوی



آرزوهایی داریم که عملی نیست. یکی از آنها اجرای اپرای «مانا و مانی» برای کودکان است. این اپرا را سال ۱۹۷۹ به سفارش یونسکو ساختیم. یونسکو به همه کشورها اعلام کرد و من از ایران سه سال بر سر این اپرا زحمت کشیدم تا یادگاری برای کودکان مملکتمان باشد ولی متأسفانه از آن روز تا به حال هنوز به مرحله اجرا نرسیده است. این اپرا برای سال جهانی کودک ساخته شده و به شکل یکی از فرم‌های جهانی تنظیم شده بود و می‌توانست از سسوی ایران و به عنوان یک کار حرفه‌ای از سسوی کشورمان در جای جای دنیا اجرا شود. چنانچه این اتفاق می‌افتاد دیگر کسی ایرانیان را شرسوار تصور نمی‌کرد بلکه زمینه‌ای فراهم می‌آورد تا مبادله‌های فرهنگی صورت گیرد. اما اعلام شد و این کار تنها در ایران می‌تواند اجرا شود آن هم وقتی که چاره‌ای برای چگونگی اجرا توسط خواننده زن اندیشیده شود. حقیقت امر این است که نمی‌توان برای صدای خواننده زن، همخوان گذاشت. در بخشی از اپرا دزدی بره یک دختر کوچک را می‌رباید و دخترک به صاحب بره بوده است به جنگل می‌رود و آواز می‌خواند و تمامی آندوه و حزن و احساس درونی خود را بیان می‌کند. وقتی

گزارش آخر: بدون حمایت و توجه معاون سینمایی نمی‌توانستیم این فیلم را بسازیم

یک کلاژ خبرنگاری

است از ترکیب این دو بخش نتیجه بگیرم.» او که این بار فضایی متفاوت با آثار قبلی‌اش را تصویر کرده است شوخی‌های اثرش را گروتسک دانست و گفت: «این شوخی‌ها به نوعی خاصیت فیلم‌های من است و من دوست دارم که در تمام فیلم‌هایم از

این موضوع بهره بگیرم. چرا که به شخصه هیچ علاقه‌ای ندارم در فیلمی صحنه‌ای تلخ وجود داشته باشد که بار سنگینی و تعلیم این اثر است. کمال تبریزی هم به عنوان گفت: «فیلم‌سازی هستم که همیشه متأثر از شرایط جامعه کار می‌کنم و به همین دلیل شاید عده‌ای بتوانند بگویند که اکثر فیلم‌های من تاریخ مصرف دارند، البته با این حال این آثار در شرایط خودشان تأثیرگذار هستند و با مخاطب ارتباط برقرار می‌کنند. طبیعتاً زمانی که خواهم درباره یک ایده فیلم بسازیم، ابتدا به ساختار آن فکر می‌کنیم، به نظر ما آمد که ساختار این فیلم باید چنین حالتی داشته باشد و از آنجا که یکی از نقش‌ها و شخصیت‌های اصلی این فیلم یک خبرنگار بود، ما حس کردیم که ساختار فعلی برای این فیلم مناسب است، چرا که این ساختار مانند یک کلاژ خبرنگاری است.»

کارگردان شناخته شده سینمای ایران به نکته دیگری هم اشاره کرد: «من این فیلم را با مخاطبان عادی هم دیدم و امروز هم در این سالن احساس کردم که چنین حسی به مخاطب منتقل نمی‌شود. به هر حال یکی از امکانات و ویژگی‌های خوب جشنواره فجر آن است که فیلمسازی در قالب این جشنواره می‌تواند اثرش را هم با رسانه‌ها و هم با مردم عادی به نمایش بینشند. این روی درباره ویژگی‌های اثرش گفت: «هدف من از ساخت این فیلم این بود که صرفاً یک فیلم کمدی بسازم، اما به هر حال فضای این اثر ترکیبی از فانتزی، کمدی و جدی در کنار یکدیگر است.در واقع شما نمی‌توانید فضای واقعی و فانتزی این فیلم را از یکدیگر تفکیک کنید و من هم از ابتدا فکرمی‌کردم که ممکن



سال پنجم ■ شماره پیاپی ۱۱۸۵ ■ شماره ۲۶۰ دوره جدید ■ سه شنبه ۲۶ بهمن ۱۳۸۹ ■ ۱۱اربع‌الاول ۱۴۳۲ ■ ۱۵فوریه ۲۰۱۱

دنیائی در شهر کتاب و موزه ملک

دکتر غلامحسین ابراهیمی دینائی، آیدین آغداشلو، خسرو سینیای و سیدمحمدود داعی در مراسم افتتاح رسمی فروشگاه مرکزی شهر کتاب دوشنبه هفته آینده در روز میلاد تاریخ ساز پیغمبر اسلام (ص)سخنرانی می‌کنند. این فروشگاه قرار است بزرگ‌ترین و پیشرفته‌ترین سوپرمارکت فرهنگی در ایران باشد و در سه طبقه به شکل متنوعی محصولات را ارائه داده است. در همین روز غلامحسین ابراهیمی دینائی در کتابخانه و موزه ملی ملک نیز سخنرانی خواهد داشت. در این مراسم ۴ کتاب نیز رونمایی خواهد شد.

تهران : اذان ظهر۱۲:۱۸ اذان مغرب ۱۸:۰۴ اذان صبح فردا ۵:۲۷ طلوع آفتاب ۶:۵۲

روزهای پرجایزه سینما

تفاوت دو جهان



اولین روزهای سال جدید همزمان است با برگزاری چند مراسم معتبر اهدای جایزه سینمایی. جایزه اسکار اسپانیایی به خاویار باردم رسید و سخنرانی پادشاه توانست هفت جایزه مهم را بافتا دریافت کند. در گوشه‌های دیگر از جهان در جشنواره برلین بزرگان مهم سینمای جهان آخرین ساخته‌هایشان را به نمایش گذاشته‌اند و رقیب هشت ساله جشنواره فیلم فجر با پول و نفوذ در دویی سال آینده میزبان سینمای آلمان خواهد. از هم اکنون هم تبلیغات بازاری رانی زمان پخش مراسم اسکار آغاز شده است. این در حالی است که جشنواره فیلم در بیست و نهمین پله برگزاری در هنوز با استانداردهای جهان فاصله بسیار دارد.

این روزهای فیلم سخنرانی پادشاه روزهای خوشی را پشت سر می‌گذارد. این فیلم در مراسم آکادمی فیلم و تلویزیون بریتانیا در ۱۴ پخش نامزد جایزه شد و هفت جایزه اصلی را از آن خود کرد.

ایسن فیلم علاوه بر جایزه بهترین فیلم توانست جوایز بهترین فیلم انگلیسی، بهترین فیلمنامه، بهترین بازیگر مرد (کالین فرث)، بهترین بازیگر نقش مکمل مرد (جفری راش)، بهترین بازیگر نقش مکمل زن (هلنا کارتر) و بهترین موسیقی را به خود اختصاص دهد. اما جایزه افتا روی خوش خود را به فیلم «شبکه اجتماعی» نشان می‌دهد و جایزه بهترین فیلمنامه اقتباسی و بهترین تدوین را به این فیلم اهدا می‌کند. جایزه بهترین کارگردانی را به چهره محبوب منتقدان یعنی «دیوید فینچر» برای همین فیلم داده شد. به این ترتیب کلکسیون جوایز این فیلم تعداد بیشتری می‌گیرد. این فیلم پیش از این جایزه بهترین فیلم سال را ازسوی انجمن‌های فیلم لس‌آنجلس، سانفرانسیسکو، فلوریدا، لندن، بوستون، تورنتو و نیویورک کسب کرده است. دیگر فیلم‌های مورد توجه این جایزه سومین قسمت از انیمیشن پرفرادر «داستان اسباب‌بازی» محصول کمپانی دیسنی است که با فروش ۱/۱ میلیارد دلار پرفروش‌ترین فیلم سال ۲۰۱۰ جهان نام گرفت. بهترین فیلم فیلم غیرانگلیسی بافتا ۲۰۱۱ به «دختری با خالکوبی اژدهانشان» از سوئد رسید و «تاتالی پورتن» برای فیلم «قوی سیاه» بهترین بازیگر نقش اول زن نام گرفت. اما خاویر باردم، بازیگر شناخته شده هالیوود در بیست و پنجمین مراسم سالانه اعطای جوایز گویا که معادل اسکار سینمای اسپانیا است برای چهارمین بار به عنوان بهترین بازیگر مرد شناخته شد. این بازیگر درباره نحوه ایفای نقش خود در فیلم «زیبا» چنین گفته است: «این سخت‌ترین نقش‌آفرینی دوران سینمایی من بوده است». اما در نزدیکی ایران در هشتمین جشنواره فیلم دویی صنعت فیلم آلمان مورد توجه قرار گرفته است.

مقدمات برگزاری مراسم باشکوه اسکار آماده می‌شود، مهمانان و مجریان اعلام شده‌اند و طبق اعلام مقامات شبکه تلویزیونای بی سی، هزینه پخش ۳۰۰ ثانیه پیام بازرگانی در زمان برگزاری مراسم اسکار حدود ۱/۷۵ میلیون دلار (یک میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان) است. اما این رقم بالا سبب نشده است تا کمپانی‌های مطرح از خرید این تبلیغات منصرف بشوند تاکنون والت دیزنی و پارامونت برای استفاده از این تبلیغات اعلام آمادگی کرده‌اند. هشتادوسومین مراسم اعطای جوایز اسکار هشتم اسفند برگزار خواهد شد. «تیکول کیدمن» و «تام هنکس» از مهمانان سرشناس این مراسم هستند. البته این لیست بلندبالا شامل اسامی ساندرا بولاک، بازیگر سرشناس هالیوود به همراه «جف بریجز» که با فیلم «قلب دیوانه» اسکار بهترین بازیگر مرد را گرفته است و از اعطاکندنگان جوایز امسال اسکار خواهند بود. «ماریسلا تومی»، برنده اسکار نقش مکمل زن در سال ۱۹۹۳ در کنار «هال بری» و «پرا ویترنی» مجری معروف تلویزیون آمریکا دیگر شخصیت‌هایی خواهند بود که جوایز اسکار ۲۰۱۱ را اهدا می‌کنند.

سکانس آخر

چند حاشیه از جشنواره فیلم

شایعه شده بعد از نشست جنجالی فیلم «پایان نامه» به کارگردانی «حامد کلاهداری» و تهیه کنندگی «روح الله שמدقري» بخش‌هایی از اخراج‌ها تغییر کرد. گفته می‌شود، این تغییرات سریع که شامل بخش‌هایی از فیلم و دوبله بخش‌هایی دیگر می‌شود، بحث‌هایلی از فیلم که ظاهراً مضمین توهین و تمسخر مستقیم به برخی نامزدها بود، به سرعت دوبله شده است. اما یان فیلم سرانجام جزو داوری هیات جشنواره امسال نخواهد. هم چنین نامزدهای بخش نگاه نو مسابقه فیلم های اول نیز اعلام شده که اولین ساخته «فرخ‌زاد» که ۱۰ سال پیش ساخته شده در سه بخش کاندیدا شده است. سفر سرخ نامزد سیمرغ بلورین فیلم اول، بهترین فیلمنامه و بهترین کارگردانی است. علی مصفا و لایلا حاتمی نامزد جایزه بازیگری شدند. در این بخش فیلم‌های اول کارگردانان مورد داوری قرار گرفته است. مراسم اختتامیه جشنواره امسال ۲۷ بهمن ماه چهارشنبه برگزار می‌شود.

پیشنهاد اول: دو کتاب و دو فیلم

تخصصی و تنوع

کامران فانی

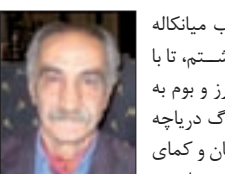


دارد و از این بابت که نگاه متفاوتی از مقالاتی است که درباره تئاتر نوشته شده خواندن آن را هم توصیه می‌کنم. اما در حوزه سینما هم با توجه به اینکه در حال حاضر برگزاری مراسم اسکار نزدیک است بیشتر فیلم‌هایی که ایسن روزها دیدم آثاری است که در میان نامزدهای این رویداد فرهنگی قرار دارد. یکی از این فیلم‌ها «قوی سیاه» است که به نظرم خیلی جذاب است و یکی از نامزدهای دریافت جایزه اسکار هم به شمار می‌آید. این فیلم داستان اجرای باله دریاچه قو و هنرپیشه‌ای است که قرار است در این نمایش بازی کند اما در نهایت هم این قوی سفید تبدیل به قوی سیاه می‌شود. البته در کنار این من فیلم دیگری دیدم که هر چند در میان فیلم‌های اسکار نیست اما کار قابل تاملی هست. این فیلم که «لانه خرگوش» نام دارد، جریان زن و شوهری است که بچه‌شان را از دست دادند و در فقدان این کودک شش، هفت ساله سعی دارند به زندگی باز گردند و با غم فراق این کودک به نوعی کنار بیایند. آنچه این فیلم را دیدنی می‌کند به نظرم همین نگاه انسانی موجود در آن و این است که چطور یک خانواده با غم فراق یکی از عزیزانشان کنار می‌آید.

پیشنهاد دوم: سفر

تالاب میانکاله قربانی توسعه

اسماعیل کهرم



دسترسی به آن باید ۱۰ کیلومتر از تالاب با خاک و آسفالت پوشیده شود تا کارشناسان نفتی وارد محل کار خود شوند.
فرض کنید زور وزارت نیرو برسد و پالایشگاه ایجاد شود، با وجود آبی که زمین‌های اطراف تالاب و غرق کرده، در فاصله‌ای کوتاه آبریان نادر و نایاب منطقه در روغن و نفت غرق می‌شوند. آبریزانی که در لب‌شورهایی که از اختلاط آب‌شیرین و شور ایجاد شده زندگی می‌کنند، شرایط مناسبی را برای زندگی نرمن‌توان ایجاد می‌کنند که همان‌جا، محل تذذیه پرندگان نادراست، اما این تصویر این‌روزها کم‌کم به رویا می‌پیوندد، چون با ایجاد پالایشگاه نفتی به‌جای تالاب، دریاچه‌ای از روغن خواهیم داشت. با کمال تأسف باید بگویم، تالابی که ۳۹ سال پیش در سال ۱۳۵۰ در کنوانسیون رامسر ثبت و حالا باید لایه‌ای پنبه نگهداری شود، قربانی توسعه شده است. جایی که باید حیات داشته باشد، امروز به قبرستانی برای حیوانات تبدیل شده، پارچه بزرگ وزارت نیرو به به‌خوبی نشان می‌دهد که زور محیط‌زیست نرسیده، با این حال علاقمندان محیط‌زیست روز پنجشنبه گذشته برای چندمین بار در اعتراض به این بی‌مسئولیتی‌ها تجمع کردند تا دست‌به‌دامان مقامات کشوری شوند، که به حال آنگندان ایران فکری بکنند، شاید مسئولان در حجم کار مدیریتی خود، این تجمع را ندیده باشند، برای همین بازهم تکرار می‌کنیم که به‌خاطر حال ایرانیان، تالاب میانکاله را حفظ کنید.

اتفاق: نامه تهیه کننده به کارگردان

سینما یک کار گروهی است

منیژه حکمت



رامبد عزیز
می‌دانی که سینما یک کار گروهی است و آدم‌های زیادی در خلق یک فیلم مشارکت دارند، البته بدیهی است سهم همه مساوی نیست و هر کس به فراخور وظیفه و حرفه‌اش عمل می‌کند. مرزبندی دقیقی هم بین مسئولیت‌ها هست تا دخال وظیفه، کار را مختل نکند، اما در بعضی موارد این مرزبندی شکسته می‌شود و تعریف دیگری از کار گروهی مطرح می‌شود و آن زمانی است که یک یا چند بخش از این مجموعه نتوانند همپای دیگران جلو برود و توازن مجموعه به هم بخورد. آنگاه آنچه اولویت پیدا می‌کند به سرانجام رسیدن کار است نه تقسیم دقیق مسئولیت‌ها. ما در «ورود آقایان ممنوع» با چنین چیزی روبه‌رو بودیم. ساختن این فیلم که بحق فیلمنامه پرزحمتی به لحاظ اجرا داشت، توان فنی بالایی را می‌طلبید. در روزهای اولیه کار برایمان مشخص شد که اجرای این کار برای تو بسیار مشکل‌تر از چیزی است که فکر می‌کردیم، به‌خصوص که خودت اصلاً این حس را نداشتی و آن را خیلی ساده فرض می‌کردی. در برخی صحنه‌ها حضور نداشته‌ای یا حضور موثر نداشته‌ای، دکوپاژ قبل از فیلمبرداری برایت معنی نداشت و تا مدتی گمان می‌کردی دکوپاژ وظیفه فیلمبردار است و او باید لنز، قاب و زاویه دوربین را مشخص کند. شاید چون به این سیستم در ۹۰ شبی‌های تلویزیون عادت داشتی جایی که کارگردانی یعنی بازیگردانی و نه بیان داستان با دوربین.

احتمالاً ششی که فیلم آماده شده را برای اولین‌بار